

صد سال جنگ

سیاست‌های نفتی انگلیس - امریکا و نظم نوین جهانی

نوشته: دکتر ویلیام اف انگدال

(چاپ تجدیدنظر شده ۲۰۱۲)

ترجمه: ابراهیم شایان


نشر رود

۱۳۹۷

فهرست مطالب

فصل ۱	۱۹
سه رکن امپراتوری بریتانیا	۱۹
امپراتوری نیاز به راهبرد جدیدی دارد	۱۹
تجارت آزاد و تاروپود قدرت انگلیس	۲۱
"امپریالیسم غیررسمی" بریتانیا	۲۳
رکورد بزرگ ۱۸۷۳	۲۷
پاورقی های فصل ۱	۲۹
فصل دوم	۳۱
خطکشی ها انجام می شود:	۳۱
آلمان و جغرافیای سیاسی جنگ جهانی اول	۳۱
معجزه اقتصادی آلمان	۳۱
وحشت بانکی در برلین	۳۴
لزوم زیربنای راه آهن و کشتیرانی	۳۵
توضیح پاورقی های فصل ۲	۳۸
فصل سوم	۳۹
درگیری جهانی برای کنترل نفت آغاز می شود	۳۹
یک ادمیرال انگلیس ورای چراغ نفت سوز را می بیند	۳۹
دآرستی راز سنگ های سوختی را درمی یابد	۴۰
با قطار از برلین تا بغداد	۴۲
کشتی های جدید دِردناتس	۴۷
سفر شوم سیر ادوارد گِری به پاریس	۵۰
فاشودا، ویتیه، پروژه های بزرگ و اشتباهات بزرگ	۵۱
توضیح پاورقی های فصل ۳	۵۶

فصل ۱

سه رکن امپراتوری بریتانیا

امپراتوری نیاز به راهبرد جدیدی دارد

هیچ عاملی به اندازه کشمکش‌های محافظت از ذخایر نفتی جهان و کنترل آنها، در شکل‌گیری تاریخ صدسال گذشته نقش نداشته است. از چگونگی شکل‌گیری قدرت اقتصادی و سیاسی با محوریت این ماده خام، یعنی نفت، درراه منافی که اساساً تحت کنترل دو کشور انگلیس و بعداً ایالات متحده آمریکا بوده درک ناقصی وجود دارد.

بریتانیا در اواخر دهه ۱۸۹۰ در همه جنبه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی قدرت بلامنازع جهان بود. از سال ۱۸۱۵ طلای انگلیس که زیر نظر رشک و روزانه "بانک انگلیس" پاسداری می‌شد، زیربنای نقش پوند استرلینگ به‌عنوان سرچشمه اصلی اعتبارات جهانی گردید. برتری ارتش پروسی کلید واقعی شکست ارتش ناپلئون در واترلو بود. ولی امتیازش، به‌صورت سهم بزرگی از ذخیره طلای جهان که به لندن سرازیر شد، به ولینگتون و انگلیسی‌ها رسید. "به‌خوبی استرلینگ"، واقعیت آن روزها بود. پس از قانون ۲۲ ژوئن ۱۸۱۶، طلا تنها معیار ارزش امپراتوری انگلیس اعلام گردید. سیاست خارجی انگلیس در ۷۵ سال آتی و بعد آن به‌صورت روزافزونی به استحکام خزانه‌های انگلیس، صندوق‌های بانک انگلیس، و بهره‌برداری از ذخایر جدید طلای جهان در استرالیا، کالیفرنیا یا آفریقای جنوبی پرداخت. پی آمد این "سیاست مواد کانی"، سیاست دیگری به‌عنوان "انکار راهبردی" وجود همان منابع طلا، هر جا امکان داشت، از کشورهای رقیب بود.

پس از ۱۸۱۵، برتری نیروی دریایی انگلیس در آب‌های جهان غیرقابل چالش بود. کشتی‌های انگلیس به حمل فولاد انگلیس، زغال‌سنگ، و صادرات محصولات صنایع نساجی

سومین رکن که با گذار قرن هرچه بیشتر حیاتی شد، حاکمیت سلطهٔ جغرافیای سیاسی انگلیس بر مواد خام عمدهٔ جهان مثل پنبه، فلزات، قهوه، زغال‌سنگ، و در پایان قرن بر طلای سیاه جدید یعنی نفت بود.

تجارت آزاد و تاروپود قدرت انگلیس

در ۱۸۲۰ مجلس انگلیس متن اصلی را تصویب کرد که خبر از زنجیره‌ای از تغییراتی می‌داد که یکی از نتایج آن وقوع جنگ جهانی اول و تمام عواقب مصیبت بارش در یک قرن بعد بود. تحت فشار منافع یک گروه قدرتمند بانکی و حمل‌ونقل دریایی، که در حول بانک لندن و الکساندر بارینگ از گروه بانک‌های تجاری برادران بارینگ متمرکز بودند، مجلس، متن اصلی در پشتیبانی از ایدهٔ "تجارت مطلقاً آزاد" را تصویب کرد که چند دههٔ قبل از آن اقتصاددان اسکاتلندی بنام "آدام اسمیت" عنوان کرده بود.

تا سال ۱۸۴۶ این متن بنیادی در لغو حمایت از کشاورزی بومی انگلیس، که بنام قوانین ذرت معروف‌اند، در مجلس رسمیت یافته بود. لغو قوانین ذرت بر اساس محاسبهٔ منافع قوی مالی و تجاری "شهر لندن" بود که سلطهٔ جهانی آنان امتیاز قاطعی به آن‌ها می‌داد. "تجارت آزاد" فقط ضمانتی برای رشد سلطهٔ آنان بر تجارت جهان به ضرر کشورهای کمتر توسعه‌یافتهٔ طرف معامله بود.

تحت استیلای تجارت آزاد، بانک‌های تجاری انگلیس منافع سرشاری در تجارت تریاک در مثلث هند-ترکیه-چین به دست آوردند، و درعین حال در خلال جنگ‌های تریاک، وزارت امور خارجهٔ انگلیس منافع بانکی‌شان را با خواست علنی گشایش بندرهای چین به روی "تجارت آزاد" تقویت کرد.

در سال ۱۸۴۳ مجلهٔ هفتگی جدیدی، اکونومیست، برای تبلیغ منافع مالی و تجاری "شهر لندن" و صراحتاً به‌منظور ایجاد تحریکاتی در کمک به لغو قوانین ذرت پایه‌گذاری شد.

حزب توری انگلیس متعلق به سیر رابرت پیل در ماه می ۱۸۴۶ لغو سرنوشت‌ساز قوانین ذرت را به کرسی نشان داد که نقطهٔ عطفی به سوی بدتر شدن نه تنها انگلیس بلکه تاریخ جهان بود. **الغاء این قانون** راه را به روی سیلی از محصولات ارزان کشاورزی باز کرد که باعث نابودی مزرعه‌داران **عنتها انگلیس** بلکه سایر کشورها نیز گردید. نظر "ارزان بخر و گران بفروش" تجار به سطح یک **بهرد ملی** ارتقاء یافت. مصرف تنها دلیل تولید تلقی شد.